



از محسن لرستانی تا آذرخش مگری

چند کلامی درباره احساس ناکامی و یوتیوب فارسی

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

یوتیوب فارسی دنیای غربی دارد. حواستان نباشد در دریاش غرق می‌شود. دریایی که به معنای واقعی کلمه ساحل ندارد. در همین یوتیوب فارسی فارغ از گیمینگ، چالش‌ها، بلابندیت، آشپزی، ماشین‌بازی، حیوانات خانگی و... اخیراً این مصاحبه هم ترند شده است. اینکه می‌گویم دنیای غرب یعنی در همین پلتفرم، برنامه مصاحبه‌محوری درست می‌شود که از دکتر آذرخش مگری و محمدششمس لنگرودی تا «گادپوری» و «محسن لرستانی» میهمانش می‌شوند. محتوای این برنامه‌ها لزوماً کاربرد فرهنگی و علمی ندارند. سوال‌ها عموماً در سطحی ترین شکل پرسیده و جواب‌ها اصولاً طوری تنظیم می‌شوند تا محتوای سوشال مدیای فارسی را ساینور کنند. با این همه یکی در روز پیش با علم به اینکه از این نوع محتوا چیزی عاید نمی‌شود، یکی دو ساعتی پای مصاحبه علی ضیا و محسن لرستانی نشستم. هم‌راهن این ستون غریب به یقین این خواننده را می‌شناسم. با این همه برای آن دسته از شما که نمی‌شناسیدش، می‌نویسم. محسن پورمست معروف به لرستانی خواننده اهل کرمانشاه است. او فعالیت حرفه‌ای خودش را در سال ۱۳۸۶ با انتشار آهنگ‌های «زندانی» و «غربت» آغاز کرد و با ترانه‌های «چپ‌منه» به شهرت رسید. سبک موسیقی محسن لرستانی ترکیبی از موسیقی محلی و پاپ است که با صدا و لحنی غمگین و شکست‌خورده اجرا می‌شود. در اسفند ۱۳۹۷، لرستانی به اتهام «افساد فی الارض» بازداشت می‌شود. مدتی بعد اما از دیپهشت ۱۴۰۰ با قرار وثیقه آزاد و تبریته می‌شود. بعد از دیدن مصاحبه چند ساعتی را صبر فرستادم موسیقی «لرستانی» کردم. محتوای بیشتر آهنگ‌ها شکست، نا ابرویی، بدبختی و بداقبالی است. جالب اینجاست که هر کدام از آهنگ‌ها در اکثر پلتفرم‌های پخش موسیقی میلیون‌ها بار شنیده شده است. این در حالی است که لرستانی به نوعی خواننده زیرزمینی به حساب می‌آید. محتوای شعرها در ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل ممکن در دل یک انسان مغموم و شکست‌خورده است که روی ریتمی تند با صدایی خسته خوانده می‌شود. مشهور است که رانندگان شوتی مخاطبان اصلی این شکل از موسیقی هستند و نصف بیشتر تصادفات جاده‌ای موقع شنیدن همین موسیقی اتفاق می‌افتد. می‌دانم این حرف‌ها پایه و اساس درست و درمانی ندارد، اصلاً مگر مملکت ما سر جمع چند راننده شوتی دارد؟ اما شاید با دیدن این میزان محبوبیت و محتوای این نوع موسیقی بشود به این نتیجه رسید که عده قابل توجهی گوش ناکوک و ذهن آشفته و حال خرابی دارند... یک نکته آخر را هم بگویم و بحث را جمع کنم. واقعیت اینکه نگارنده با وجود اینکه به محتوای شعرها و موسیقی لرستانی انتقاد دارم اما غمی در صدای او می‌بینم که دلنشین است.



پزشکیان زلنسکی نیست

در نقد اظهارات دیروز سخنگوی دولت



محمدابراهیم انصاری لاری

پژوهشگر حوزه فرهنگ و سیاست

عجیب‌تر از ماجرای ترامپ و زلنسکی، برداشت مشترک و دریافت یکسان برخی از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان بود که این اتفاق را شاهدهی محکم، روشن و صادق برای اثبات مدعیانشان در نفی هرگونه گفت‌وگو و مذاکره با آمریکا تلقی کردند. در این میان، اظهارات یکی از دوستان اصلاح‌طلب که از فعالان قدیمی فضای مجازی هم هست و نیز اظهارات اخیر بانوی سخنگو جالب‌توجه‌تر بود که اولی گفته بود: «حالا تصور کنید به جای زلنسکی پزشکیان نشستند بود» و نتیجه گرفته بود که دیگر نباید حرفی از مذاکره زد و دومی هم تأکید کرده بود که «حاضر نیستیم توهین به رئیس‌جمهور اوکراین را تجربه کنیم و رویکرد ما مذاکره است به شرطی که عزتمندانه باشد.»

بیباید بی‌توجه به این قیاس خطا و بی‌وجه که نیاز به توضیح ندارد، مطابق توصیه دوست عزیز اصلاح‌طلب، تصور کنیم این مذاکره بر سر مسائل ایران و آمریکا بین ترامپ و پزشکیان بوده و ترامپ همچنان با روحیه استکباری و زیاده‌خواهی قصدش از همان ابتدا این است که پیش چشم خبرنگاران و مردم دنیا رئیس‌جمهور ما را تحقیر کند و نتیجه دلخواهش را بگیرد. حالا تصور کنید که پزشکیان برخلاف زلنسکی که آنقدر نشست و این اراجیف را گوش داد تا به دست و پا افتاد و در نهایت، با خفت از کاخ سفید بیرون رانده شد، پزشکیان که از گفت‌وگوئی منطقی و نتیجه‌بخش مایوس شده است؛ بی آنکه در جواب ترامپ کلامی به زبان بیاورد، استوار و مقتدرانه بلند شود و بعد از نگاهی عمیق و معنادار از جنس نگاه عاقل‌اندلس‌سویه به ترامپ، با صلابت و شجاعت میز مذاکره را ترک کند و از محل جلسه خارج شود و در اولین گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کند که ترامپ شایسته حتی یک جواب کوتاه هم نبود، و قضاوت درباره این دیدار را به مردم دنیا واگذارد کند.

آیا در کنار همه تصوراتان می‌توانید این حقیقت را هم تصور کنید که این رفتار پزشکیان چگونه و بالاتر و موثرتر از هر اقدام از هر جنسی چه تبلیغاتی، چه سیاسی و چه نظامی می‌تواند حقانیت ایران و هوشمندی و عقلانیت ایرانیان را از یک طرف و بلاهت و جنون آغشته به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سران آمریکا بویژه شخص ترامپ را از سوی دیگر به دنیا ثابت کند؟ همان کاری که اگر حتی زلنسکی که در مَثَل می‌توان او را یک آدمک در اختیار غربی‌ها دانست، انجام داده بود، امروز به قهرمانی در دنیا تبدیل می‌شد و ترامپ هم رسواست از همیشه...

بگذریم از اینکه چنانکه اشاره شد، نه ایران و ایرانیان قابل کمترین مقایسه با اوکراین و ملت اوکراین هستند و نه مسائل ما کمترین شباهتی با اوکراین دارد و نه هرگز رئیس‌جمهور ما کوچکترین همسانی با رئیس‌جمهور اوکراین دارد. مگر اینکه در این فتره آخری، برخی از اصلاح‌طلبان با تدریجاً و پای‌داری‌ها هم‌عقیده باشند و هوش و تندرستی فرزندان ایران را دست‌کم گرفته و رئیس‌جمهور ایران را نیز ضعیف‌تر، ترسو و ناتوان‌تر از آن بدانند که بتواند از پس چنین دیداری با ترامپ برآید. در این صورت، به نظرم اصلاح‌طلبانی از این دست که در حسن‌نیت آنها تردیدی نیست، عمیقاً در اشتباهند و اما جماعت پای‌داری‌ها یا این بار و تصادفاً در اشتباهند یا مثل همیشه با طرح چنین مطالبی اهداف و منویات دیگری را دنبال می‌کنند که والله اعلم.

اما هنوز جای این پرسش باقی است که شرافت را از چه کسی توقع دارید؟ مسلماً از ترامپ چنین توقعی نیست. اما از پزشکیان حتماً چنین انتظاری هست. و آیا مگر شرافت غیر از این است که اگر حال و هوای گفت‌وگو و فضای مذاکره منطقی نیست و ادامه آن می‌تواند به تکرار نتیجه و تجربه تلخ زلنسکی ختم شود، این پزشکیان است که به جای اینکه بنشیند و بشنود و تحقیر شود و از محل مذاکره بیرون رانده شود، همان رفتار شجاعانه و افتخارآمیزی داشته باشد که ذکر آن رفت. به نظر نگارنده این سطور، علی‌رغم همه انتقاداتی که به رئیس‌جمهور وارد است؛ اما در شرافت و ذکاوت ایشان و در هوشمندی و توانایی ایشان برای مواجهه مناسب و درخور رئیس‌جمهور ملت بزرگ ایران با هر قدرتی، ترامپ یا بدتر از ترامپ و خروج سرفرازانه از این مواجهه نباید تردید کرد. بلکه با اطمینان می‌توان گفت هرگز نه در کاخ سفید و نه هیچ‌جای دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند با ایران و رئیس‌جمهور ایران تجربه زلنسکی را تکرار کند. با کمال تأسف، بیانات سخنگوی دولت ناخواسته این اطمینان را زیر سوال برده و به جای آن، تردید را القا می‌کند. شاید بهتر باشد هرکدام از دولتیان و به‌خصوص بانوی محترمه سخنگو اگر درصدد توجیه نفی مذاکره هستند، مانند خود رئیس‌جمهور به‌صراحت دلیل آن را بیان کنند و از طرح سخنان میان‌مایه و دلایل بی‌پایه که اسباب تضعیف و تخریب رئیس‌جمهور و وهن ملت بزرگ ایران می‌شود، خودداری کنند.

شهر تهران عنوان کرد که توسط شخصی برایش مزاحمت ایجاد شده و در معرض سوءاستفاده مالی است. با هماهنگی نیروهای امنیتی این فرد شناخته شد و پلیس اقتصادی وارد شد و با هماهنگی مقام قضایی، فردی که خارج از مدیریت شهری بود اما به عنوان فرد فاسد فعالیت می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد. «اوبیان اینکه در حال پیگیری برای به نتیجه رسیدن و اطلاع از ابعاد ماجرا هستیم و از مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران برای حمایتش تشکر کرده، افزود: «باید به شهروندان اعلام کنیم که به لطف خدا اعضای شورای شهر تهران عزم جدی با شفافیت در فساد دارند و شهروندان نیز بایستی مانند این شهروند اقدام مسئولانه کنند و اگر مورد مشابهی داشتند به ما اطلاع دهند و ما نیز با همین رویکرد وارد می‌شویم و وظیفه ما در برابر شهروندانی که به نوعی سوت‌زنی می‌کنند حمایت و صیانت و احقاق حق است.»

عباسی تأکید کرد: «میدان نیز باید بدانند سرعت عمل، شفافیت و یکسان نگاه کردن به پرونده‌ها موجب می‌شود که ریشه فساد کنده شود و اختلال آخر به افراد طماع را می‌دهم که براساس متن قرآن هم در دنیا چیزی کسب نمی‌کنند و هم بر این حرام، عذاب در آخرت گریبان‌تان را می‌گیرد.»

کسی جرأت کاشتن درخت ندارد

مهدی چمران هم در این باره به‌موضوع تعیین تکلیف باغات پرداخته و گفت: «اما با این جور مسائل زیاد مواجه می‌شویم. در مورد مسئله باغات باید کاری کنیم چرا که نباید در شهر ما درخت و باغ داشتن ضرورتی باشد و مالک از باغ داشتن نباید نگران شود و از حیانتفاع نیفتد. بلکه مردم باید به درختکاری تشویق شوند؛ اما الان کسی جرأت نمی‌کند در حیاط خانه درخت بکارود و ما باید کاری کنیم که داشتن درخت مزیت باشد و کمیسون شهرسازی باید طرحی را سریعاً به‌صحن بیاورند.» او درخواست کرد که زودتر طرح «باغات» به شورای شهر تهران بیاورد و اعلام کرد که طرح‌های بسیاری در این مورد به آنها از جاع شده اما اجازه مطرح شدن نشان در شورای شهر را نداده تا یک طرح کامل و جامع که کارشناسی دقیقی روی آن انجام شده و در صحن بررسی کنند. او در ادامه تأکید کرد: «به محضی که مالکی باغ شناخته می‌شود بلافاصله تماس‌های تلفنی با او شروع می‌شود که ما می‌توانیم پرونده‌ات را درست کنیم که بخشی کلاهبرداری است و این در حالیست که ما پیگیری باغات هستیم و حتی اگر مالک به رئیس قوه قضائیه هم شکایت کند ما پیگیری رای خود هستیم اما نباید به گونه‌ای هم باشد که درخت و باغات عامل بیچارگی مالک شود.»

باک در سیستم شهرداری

همچنین احمد علوی رئیس کمیته میراث فرهنگی شورای شهر تهران نیز با تأکید بر اینکه این اتفاق برای همه اعضا رخ داد، گفت: «سال گذشته فردی به من گفت که مسئول دفتر شما، آقا محمد به من گفته که پرونده باغات را درست می‌کنم. اسم مسئول دفتر من اصلاً محمد نبود و مشخص شد که مسئول دفتر من در این موضوع کاره‌ای نیست. به همین دلیل با شماره تلفن این فرد تماس گرفتم و مدام پیگیری کردم مشخص شد که تلفن برای فرد دیگری بود.» او با اشاره به اینکه با کسی تعارف ندارم، تأکید کرد: «اعضای شورای شهر تهران صادقانه خدمت می‌کنند، پس مردم به برخی از افراد که خود را مسئول دفتر مامعرفی می‌کنند، اعتماد نکنند. البته سیستم شهرداری باک‌دو برخی از اطلاعات آن دست این افراد می‌افتد. باید با شفافیت از این موضوع جلوگیری کنیم که عده‌ای خاص نتوانند با سوءاستفاده از اطلاعات، مردم را فریب بدهند.»

انتقال جنین‌ها به بهشت زهرا

سوده نجفی، عضو هیئت‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران در جریان بررسی عوارض بیمارستان‌ها با اشاره به موضوع انتقال جنین‌های نارس از بیمارستان‌ها به بهشت زهرا (س) جهت دفن، گفت: «جنین و امعاء و احشائی که روح ندارد، برای دفن بهداشتی توسط سازمان پسماند شهرداری تهران منتقل می‌شود. انتقال اجساد جنین و آن اعضایی که روح در آن‌ها دمیده شده است. براساس قانون شرعی و بیانات علما، انتقال جنین بالای چهار ماه و ۱۷ هفته از بیمارستان‌ها به سردخانه و سپس به سازمان بهشت زهرا (س) جهت تسلیل و دفن صورت می‌گیرد.» او با بیان اینکه بر اساس تأکیدات دین اسلام، جنین مرده در پارچه پیچیده و دفن می‌شود، افزود: «در مجموع جنین و یا اعضای قطع شده را حتماً دفن خواهیم کرد؛ حتی اگر یک بند انگشت باشد، باید دفن شود. جنینی که استخوان دارد و روح در آن دمیده شده بر اساس قوانین و دین اسلام از بیمارستان‌ها به سازمان بهشت زهرا (س) منتقل می‌شود، گفت: اعضای همچون جفت، طحال و مواردی از این قبیل که احشاء محسوب می‌شوند توسط سازمان مدیریت پسماند و طبق قواعدی که خود بیمارستان‌ها دارند، منتقل می‌شوند و دفن بهداشتی آن‌ها صورت می‌گیرد.»



اعتراض کردند، معیشت مردم را دیدید و او را استیضاح کردید، گفتید ایشان صلاحیت ندارد، بروند کنار. بعد دولت بیاید بگوید جای دیگر از ایشان استفاده می‌کنیم.» منار رئیسی گفت: «آقای همتی مته‌م‌زدیف اول افزایش نرخ ارز در چندماه اخیر بوده است. من اگر کاره‌ای بودم غیر از نمایندگی و دستم می‌رسید، حتماً او را محاکمه می‌کردم. ایشان سفره مردم را کوچک کرده است. نمی‌گویم تعدی سفره مردم را کوچک کرده اما شما وقتی مسئول می‌شوید، باید مسئولیت‌پذیری و سیاست‌های خود را ببینید آقای برادر. تو آمدی تعدی نرخ ارز نیمایی را پله پله بالا بردی و گفتی می‌خواهم فاصله بین ارز نیمای بازار آزاد را کم کنم. نه تنها کم نشد، بلکه ارز آزاد رفت بالا و از عدد ۵۸ - ۵۹ هزار تومان رسید به ۹۴ - ۹۵ هزار تومان. این تورم ایجاد و سفره مردم را کوچک می‌کند. ما هم به همین خاطر ایشان را کنار گذاشتیم. دشمنی شخصی که با ایشان نداریم.» او سپس در پاسخ به مگری که می‌خواست پاسخ سوال اصلی خود را بگیرد، گفت: «این موضوع را آقای عارف با هر بزرگوار دیگری مطرح کنند، اختیار با خودشان است اما به نظر من دهن کجی به مجلس و مردم است. وقتی مردم اینقدر خوشحاند و از ما تشکر می‌کنند، بروید کف کوچه و خیابان نظر مردم را ببینید. اینکه شما نیرویی را جای دیگر پستی برایش تعریف کنید، من اگر جای ایشان بودم انجام نمی‌دادم.» او در همین برنامه از استیضاح وزیر نیرو در صورت تدابیر خاموشی‌ها صحبت کرد. سوال از وزیر راه توسط او به ثبت رسید و محسن پاک‌نژاد وزیر نفت نیز توسط او روز گذشته به مجلس رفت. تمام این‌ها حق نمایندگان مجلس است اما شائبه سیاسی بودن اقدامات تیم جلیلی در مجلس و استفاده از ظرفیت‌های صداوسیما به عنوان تکمیل‌کننده این اقدامات هنوز به قوت خود باقی است.